اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت سی و هفتم)

عشق (بخش هفتم(لذت گرائی))

لذت پرستی یکی از مهمترین مشکلات روز بشریت است طوریکه اگر پول زیاد داشته باشد، آن را در این راه خرج می‌کند و آن را به لذت تبدیل می کند. خدای مهربان در بعضی کارهایی که انجام میدهیم، لذتهایی قرار داده است، تا بوسیله آن لذتها، ما تشویق به فعالیت شویم و بقای خود را ادامه دهیم. اما این لذتها اهداف زندگی ما در این دنیای فانی نیستند. مثلاً شما از بیرون خانه که خیلی سرد است و یخبندان است وارد خانه می شوید و با آب موجود در خانه ، دستهای سرد خود را می شویید. در این حالت لذت میبری و احساس گرمی میکنید؛ این احساس لذت بخاطر آن است که آب درون خانه مثل بیرون سرد نیست و دست شما را گرم میکند و به شما احساس لذت میدهد. انسان وقتی از حالت بدتر به بد تغییر حالت

می دهد ، لذت کالبدی خواهد برد و این مورد کاملا طبیعی است. اما اگر بخواهیم این لذتها را مداوم و مکررا برای خود ایجاد کنیم، مریض میشویم. به نظر شما آیا درست است که برای ایجاد این لذت، روزی ده بار وارد هوای سرد شویم و دوباره به خانه برگردیم و دست خود را با هوای درون خانه بشوییم، فقط بخاطر تولید دوباره این لذت! در این حالت هم وقت خود را تلف کرده ایم و هم آب را هدر می دهیم و هم کار بیهوده ای انجام می دهیم.

یک مردی بود که روزی نزدیک به ۲۰ چای می نوشید، همراه هر چای، چندین قند هم می خورد؛ بعد از مدتی دیابت گرفت ولی نمی توانست که دست از قند خوردن بکشد، بدن او به قند فراوان عادت کرده بود. مشکل اینجا بود که خود او متوجه نبود که همین قند فراوان چطوری به مرور زمان مشکل بزرگی برای بدن او ایجاد کرده بود. لذتی که قند فراوان به بدن او وارد می کرد، جای هرگونه استدلالی را در ذهن پر کرده بود. لذت پرستی بزرگترین مشکل بشریت است، طوریکه لذت جای استدلال و منطق را می گیرد. کسی که به حرف خدا در قرآن اعتماد دارد آنجایی که خدا می فرماید: بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید؛ در آن حالت و در هیچ چیزی زیاده روی نمی کند و در نتیجه کمتر بیمار می شود و خود را کمتر به دردسر می اندازد. از زمانی که لذت گرایی زیاد شد، پزشک رفتن هم زیاد شد؛ انسان حتی بدن خود را هم فراموش کرده است. بدن ما برای یک توازن و لذت معمولی درست شده است. حیوانات به ندرت اسراف می کنند و در نتیجه نسبت به انسانها خیلی

کمتر بیمار میشوند. بعضی بیماریها طبیعی هستند و جزو فرآیند طبیعی کره زمین است و ناچارا برای همه افراد پیش می آید؛ اما بعضی بیماریهای دیگر را خودمان برای خودمان بوجود می آوریم. خدای مهربان می فرماید که غذاها و نوشیدنیهای مورد استفاده را نگاه کنید فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ ، **تا ببینید که چه چیزهایی می خورید. خدای مهربان با این جمله می فرماید که غذاها و نوشیدنیها را صرفاً برای لذت نخورید بلکه به نیاز بدن خود توجه کنید. آدمی سعی میکند که لذتها را به طور مصنوعی برای خودش تولید کند و مدام آن را تکرار کند. شیطان در همین تکرارها ، آدمی را در تله گیر می اندازد. زیرا هر گونه ایجاد لذت مصنوعی همراه با اسراف و تبذیر است.**

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿٢٧﴾

چرا که اسرافکاران برادران شیطان هایند و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است (۲۷)

هر وقت خدا از لذتهای بهشتی صحبت میکند، میخواهد ما را از تکرار لذتهای دنیوی منصرف کند و در واقع می فرماید که متاع و لذتهای دنیوی بسیار کم است و هر چه هست تکرار است و بیفایده و لهو و لعب. عدم توازن بین نیاز و لذت، باعث پرخوری و شهوت رانی خواهد شد. تمام زیاده رویها و اسراف ها و شهوت رانی ها بخاطر این است که آن لذات طبیعی نیستند و خود انسان آن را بطور مصنوعی برای خود ایجاد

میکند. وقتی شما به طبیعت می روید ، حس بینایی، بویایی، شنوایی و سایر حسهای شما لذت می برند و شما از تمام جهات لذت می برید و تمام حسهای انسان تحریک میشود و این یک لذت واقعی و طبیعی است. اما وقتی یک فیلم را نگاه می کنید، فقط حس بینایی شما لذت می برد و این نیاز واقعی انسان را برآورده نمی کند، در نتیجه در دیدن فیلم زیاده روی کرده و هیچوقت هم به آن نیاز واقعی نخواهید رسید.

جسم ما تا حدود تقریبا سن بیست سالگی رشد میکند و بعد از آن رشدش متوقف و یا خیلی کم میشود. اما نفس ما تا لحظات آخر عمر ما میتواند رشد کند. بنابراین شما نمیتوانید لذتهای مادی را تا آخر عمرتان همچنان تکرار کنید و در نتیجه افسرده خواهید شد. تنها راه این است که نفستان را رشد دهید. بعضی افراد برای رشد نفس خویش، مدام اشعار میخوانند و در لذات اینچنینی غرق میشوند. اشعار بزرگترین دشمن کتاب خدا هستند. در قرآن ، برای کلام خدا یک متضاد ذکر شده است و آن هم شعر است.

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ ﴿۴۱﴾

و آن گفتار شاعری نیست [که] کمتر [به آن] ایمان دارید (۴۱)

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ﴿۴۲﴾

و نه گفتار کاهنی [که] کمتر [از آن] پند می گیرید (۴۲)

تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۴۳﴾

[پیام] فرودآمده ای است از جانب پروردگار جهانیان (۴۳)

لذت بردن از اشعار، آنچنان خیلی از مردم را به خود مشغول کرده است که تماما آنان را از نظر مادی لذتگرا کرده است. لذت خواندن اشعار یک لذت مصنوعی است که شیطان آن را تبلیغ میکند.

شاید باور نکنید که بیشتر لذتهایی که در زندگی شما ماندگار بوده و در ذهن و خاطرات شما مانده است، هیچکدام را خودتان ایجاد نکرده اید، بلکه خودبخود بوجود آمده است و کاملا طبیعی بوده است. کسانی که در لذتها زیاده روی میکنند، به نوعی هوای نفس خویش را پیروی میکنند و برای خود از لذت، الهه درست میکنند.

أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَٰهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا ﴿۴۳﴾

آیا آن کس که هوای [نفس] خود را معبود خویش گرفته است دیدی آیا [می توانی] ضامن او باشی (۴۳)

خواب طبیعی آرامش می آورد، اما خواب مصنوعی (مثل هیپنوتیزم) سردرد می آورد. لذتها را باید خدا تعریف کند و نباید در خلقت خدا تغییر ایجاد کرد. شیطان در همین تغییر خلقتها و لذتهای مصنوعی و تکرار لذتها ، آدمی را گیر می اندازد. آدمی باید متوجه باشد که در کره زمین زندگی میکند و لذتهای آن محدود است و

باید به یک سری لذتهای خدادادی رضایت دهد و جلوی هوای نفسش را بگیرد. افرادی هستند که صد نوع لباس دارند و هیچوقت بطور کامل از آن استفاده نمی کنند. لذتگرایی باعث میشود که افراد زکاتشان را ندهند. شاعری بود که در سن هفتاد سالگی هم همچنان در مورد زلف یار و ابرو کمان و ساقی شعر می سرود. آیا او در سن هفتاد سالگی که تمام توان و زیبایی خود را از دست داده است، باز از این لذتهای کاذب دست نمی کشد!! او به تکرار و خلق لذتهای مصنوعی عادت کرده بود و نمی توانست ترکش کند. چرا یک شاعر هفتاد ساله در مورد ساقی و زلف یار و ... شعر بگوید!

هوس لذتهای طبیعی با پیر شدن انسان ، کم رنگ میشوند و انسان بر حسب نیاز استفاده میکند. اما هوس لذتهای مصنوعی و شیطانی در هفتاد هشتاد سالگی هم دست از سر فرد بر نمی دارد.

خدای مهربان می فرماید که:

وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣٤﴾

و به خوردن طعام مسکین تمایلی ندارد (۳۴)

خدا در آیه بالایی اشاره میفرماید که لذت گرایان به خدا ایمان ندارند و به نوع غذاهایی که فقرا مصرف میکنند، هیچ تمایلی ندارند. زیرا غذاهای فقرا ساده تر و لذت کمتری دارند. این افراد لذت گرا هستند و در هر چیزی، به لذت توجه می کنند. حلاج و بعضی شعرا در مورد این آیات قرآنی، راه غلطی را طی کردند. می گویند که حلاج پیش جذامیها رفت و غذای آنان را خورد (صرفا یک ادعاست و معلوم نیست که راست باشد). در حالیکه خدا هیچوقت نمی فرماید که از غذاهای مانده کسی بخورید. بلکه خدای مهربان در آیه بالایی به نوع غذاها اشاره میکند. غذاهای ثروتمندان بیشتر بر محور لذت است و ساده نیست. خدا در آیه بالایی به این مورد اشاره دارد که غذاهای ساده هم بخورید تا لذتگرا نشوید. خدا بر بهداشت غذاها تاکید دارد و هیچوقت راه غلط حلاج را به کسی توصیه نمی کند. زیرا شیطان به این طریق میخواهد پیام خدا را خراب کند. زیرا کمتر کسی پیدا میشود که غذای مانده کسی که بیماری جزام دارد را بخورد.

لذتها اعتیاد آور هستند و همین اعتیاد به لذات، انواع بیماریها را به دنبال دارد. این موارد درمورد لذتهای جنسی هم صادق هستند. مردم متاسفانه در زندگی مشترک لذت پرستند و از زن و یا مردشان صرفا لذت میخواهند و زندگی آنان بر محور لذت می باشد و این روش اشتباه است. در حالیکه زندگی زوجین براساس قرآن ، لذت محور نیست. آیه زیر (وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا) **به این نکته اشاره دارد.**

اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا ﴿٢٧﴾

خدا می خواهد تا بر شما ببخشايد و كسانی كه از خواسته ها[ی نفسانی] پيروی می كنند می خواهند شما دستخوش انحرافی بزرگ شويد (٢٧)

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا ﴿٢٨﴾

خدا می خواهد تا بارتان را سبك گرداند و [می داند كه] انسان ناتوان آفريده شده است (٢٨)

ناگفته نماند که خدای مهربان در عمل جنسی و خوردن و آشامیدن هم لذتهایی قرار داده است ولی خدا نگفته است که ای مردم شما این کارها را برای لذت انجام دهید و در آن زیاده روی کنید. شیطان لذتها را جای نیازها گذاشت و در هر چیزی لذتها را برجسته میکند و نسل بشر را به گمراهی می کشاند.